



شماره حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴ - شماره ۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- ابعاد فقهی و جرم شناختی شرط بندی در فضای مجازی
ابوالفتح خالقی، سیمین فرخی نیا
- بررسی انتقادی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به آثار حقوقی جدایی
مجمع الجزایر جاگوس از مورپس در سال ۱۹۶۵
موسی عاکفی قاضیانی، محمد عاکفی قاضیانی
- واکاوی حقوقی تطبیقی نهاد وثیقه در پرتو قوانین ایران و انگلیس
حسین رحیمی خجسته، مرضیه فتحی برناجی
- رویکردی تطبیقی بر آثار ادغام شرکت‌های تجاری
افشین مجاهد
- تبیین ابعاد عدالت و اخلاق از منظر اصول چهارچوبی حقوق بین الملل اسلامی
نوروز کارگری، سجاد طیبی
- جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی
عباس یورهاشمی، سحر چوبین
- پاندمی کووید۱۹ در پرتو حقوق همبستگی
سیدپهاد میرفخرایی
- آثار و جهات تجدیدنظرخواهی (پژوهش‌خواهی) از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه
سیدجعفر هاشمی باجگانی، افشین مجاهد
- سرمایه گذاری خارجی در حقوق موضوعه ایران و موانع پیش روی آن
محمدرضا بوربور
- شرط ضمان مطلق مستأجر در نگهداری از عین مستاجر در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
فیروز احمدی، علی قائدرحمتی
- هشدار برای دانه درشت ها: مروری بر مهمترین نقش ها و رهاوردهای حقوق بین الملل
کیفری در نظم حقوقی بین المللی
محسن قدیر، موسی گرمی
- مطالعه تطبیقی آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی
محسن جعفری، فاطمه اسدی
- تعهد حسن‌نیت در قراردادهای در حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، ابوالفضل سلیمان
- رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه
حسن رحیم زاده میبدی، افشین مجاهد
- آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه
مصطفی افضلی گروه
- مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، غلامرضا ایزدپناه
- نقد و ارزیابی ضررهای فردی، اجتماعی و قضائی جرم انگاری در نظام کیفری ایران
رستم علی اکبری، امیر فرج بخش



The Place of Sexual Crimes in International Criminal Courts

Abbas Porhashemi

Faculty member and President of the Canadian Institute of International Law (CIFILE), Toronto, Canada

Sahar Choobin

Master of International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین المللی

عباس پورهاشمی

عضو هیأت علمی و رئیس مؤسسه تخصصی حقوق بین الملل کانادا (CIFILE)، تورنتو، کانادا

ahashemy@yahoo.com
<https://orcid.org/0000-0002-4107-2938>

سحر چوبین

کارشناس ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)

saharr.choobin1397@gmail.com
<https://orcid.org/0000-0002-9368-0118>

Abstract

Sexual violence against women has a deep and historical context; this violence stems from thoughts about the plurality of women and their reduction to the physical body. For decades, people have abused the conflict of sexual violence as a war tactic in order to intimidate, terrorize, and control the civilian population during domestic and international armed conflicts. Inadequate services for sexual assault, survivors during war time formal disregard for the harm inflicted on women and girls, and a lack of commitment to prosecuting sex offenders have made this fact more complicated. Despite the heinous nature of sexual crimes, these behaviors were a common and unavoidable consequence of hostilities, and therefore perpetrators were not prosecuted. Following the armed conflicts in the former Yugoslavia and Rwanda and all kinds of sexual violence against women and girls during these conflicts, the international community came up with an innovative way to prosecute sex offenders. Although since the early 1990s, international criminal courts have ruled more explicitly in these areas and prosecuted criminals, unfortunately, there are still many legal and administrative gaps in this matter. The present study responded to how to prevent such acts of violence and concluded the ICC Statute is the first legal instrument to include crimes of sexual violence against women; however, its applicability and implementation faced numerous legal and practical gaps and challenges.

Keywords: International Court of Justice, War Crimes, Sexual Crime, Violence against Women, International Law of Armed Conflict.

چکیده

خشونت جنسی علیه زنان بستری عمیق و تاریخی دارد؛ این خشونت‌ها برگرفته از تفکراتی در باب فرونگاری زنان و تقلیل آنان به کالبد جسمانی است. بیش از دهه‌هاست که اطراف درگیری در طول مخاصمات داخلی و بین‌المللی از اعمال خشونت‌های جنسی به‌عنوان یک تاکتیک جنگی برای ایجاد رعب، وحشت و کنترل جمعیت غیرنظامی استفاده می‌کنند. خدمات ناکافی برای بازماندگان حملات جنسی در زمان جنگ، بی‌اعتنایی رسمی به آسیب وارده به زنان و دختران و عدم تعهد در زمینه محاکمه جنایتکاران جنسی، این موضوع را به امری پیچیده تبدیل نموده است. با وجود فجع بودن جنایات جنسی، این رفتارها نتایج معمول و غیرقابل اجتناب مخاصمات به شمار می‌آیند و بنابراین مرتکبان این جرائم، مورد محاکمه قرار نمی‌گرفتند. پس از درگیری‌های مسلحانه در یوگسلاوی سابق و رواندا و اعمال انواع خشونت‌های جنسی علیه زنان و دختران در خلال این مخاصمات، جامعه جهانی تدبیری بدیع در جهت محاکمه جنایتکاران جنسی اندیشید. اگرچه با شروع دهه ۱۹۹۰، محاکم کیفری بین‌المللی با صراحت بیشتری در این زمینه‌ها تصمیم‌گیری نموده و جنایتکاران را مورد محاکمه قرار دادند اما متأسفانه در حال حاضر نیز خلأهای قانونی و اجرایی بسیاری در این زمینه وجود دارد. مقاله حاضر به پاسخ در زمینه چگونگی جلوگیری از چنین اقدامات خشونت‌آمیزی پرداخته و نتیجه می‌گیرد که اساسنامه رم، اولین ابزار قانونی است که جرائم جنسی علیه زنان را دربر گرفته؛ اگرچه، کارایی و اجرای این مورد با شکاف‌ها و چالش‌های حقوقی و عملی بی‌شماری روبرو گردیده است.

واژگان کلیدی: دیوان بین‌المللی دادگستری، جنایات جنگی، جنایت جنسی، خشونت علیه زنان، حقوق بین‌الملل مخاصمات.

Received:2021/05/15 - Review: 2021/06/22 - Accepted:2021/08/02

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

مقدمه

اعمال خشونت و آسیب‌های جنسی به زنان در بسیاری از مخاصمات داخلی و بین‌المللی، ناشی از فرهنگ حاکم بر جوامع در زمان صلح بوده است؛ خشونت‌های جسمی، جنسی و کلامی که برگرفته از نظام مردسالار است و به بیش جنسی کردن هر چه بیشتر بدن زنان می‌پردازد، در زمان صلح خلاصه نشده و در دوره مخاصمات با شدت بیشتری علیه زنان اعمال می‌گردد. بیش جنسی کردن بدن زنان عبارت از آن است که به زنان به چشم کالایی جنسی نگریسته شده و اعمال و پوشش عادی آنان به‌عنوان یک انسان معمولی، تحریک‌آمیز قلمداد شود؛ این موضوع، کارکرد اصلی بدن زنان را جنسی فرض کرده و از این طریق به ایجاد محدودیت برای زنان و یا توجیه خشونت‌های جنسی علیه آنان می‌پردازد. از آن جایی که نقض حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه بیش از هر زمان دیگری اتفاق می‌افتد؛ بدیهی است که تعدی به حقوق زنان نیز در زمان درگیری‌ها بسیار گسترده‌تر از زمان صلح، صورت می‌گیرد. زنان در زمان درگیری‌ها در معرض انواع خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند؛ این خشونت‌ها دارای شدت متفاوتی هستند و شدیدترین انواع آن‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری جرم‌انگاری شده‌اند. صرف جرم‌انگاری جنایات جنسی برابر با پیگیری محاکمات در این باره نیست؛ در بسیاری از موارد، پیگیری این جرائم با قصور و سهل‌انگاری همراه بوده است و همین موارد سبب شده که تا توقف این جرائم راه زیادی در پیش باشد. جرائم جنسی نه تنها در زمان درگیری‌های جنگی سبب تضعیف روحیه گروه متعلق به قربانیان و آسیب‌های شدید زنان می‌گردد، بلکه حتی پس از پایان جنگ نیز دامن زنان را می‌گیرد و باعث می‌شود تا نتوانند در جامعه به راحتی و با شرافت به زیست خود ادامه دهند؛ به علاوه، آثار مخرب جسمی و روانی خشونت‌های جنسی تا مدت‌ها در قربانیان باقی می‌ماند. از طرفی دیگر، علیرغم این که این قبیل جنایات در قوانین کیفری بین‌المللی جرم‌انگاری شده‌اند اما محاکمه جنایتکاران آن‌گونه که شایسته است، صورت نمی‌گیرد؛ از این رو، پرداختن به این مسئله از اهمیت بسیاری برخوردار است. در پژوهش حال حاضر، به علل اعمال جنایات جنسی، توضیح عناصر مادی و معنوی این جرائم و محاکم صالح در زمینه رسیدگی به آن‌ها به‌طور تفصیلی پرداخته شده و در پایان، پیشنهادهای جهت کاهش این جرائم ارائه گردیده است.

۱- مفهوم جرایم جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری

دیدگاه‌های اجتماعی که رفتار همواری در ارتباط با سوءاستفاده و بردگی زنان نشان می‌دهند، از طریق خطاها، غفلت‌ها و مداراهای دولتی، حمایت می‌شوند (Barry, 1984, 67). در حقیقت، خشونت

علیه زنان موضوعی نیست که بتوان با اغماض از آن چشم پوشید؛ از آن جا که این موضوع، یک موضوع چندلایه، سیستماتیک و گره‌خورده با فرهنگی به قدمت تمدن بشری است، هرگونه سکوت و یا غفلت به منزله دامن زدن به حیات و گسترش آن است. در زمان درگیری‌های جنگی، زنان به‌طور مشخصی در معرض تجاوز، بردگی و فاحشگی اجباری هستند؛ با وجود این که ارزیابی انگیزه در زمینه جرائم جنسی بسیار دشوار است اما «رودهیکا کوماراسوامی»، اولین گزارشگر سازمان ملل متحد در زمینه خشونت علیه زنان توضیح می‌دهد که خشونت علیه زنان ممکن است به‌طور مستقیم مربوط به گروهی باشد که یک زن عضوی از آن است. به علت نهادینه شدن مفاهیم ناموسی و دیدگاه جامعه مردسالار مبتنی بر احساس مالکیت بر تمامیت بدن زنان و قرار دادن پاکی و شرافت یک زن در قالب جسم او، با تجاوز به زنان و هدف قرار دادن آن‌ها گویی به گروه یا جامعه‌ای که در آن است، توهین شده است و در حقیقت، گاهی قصد از تجاوز به یک زن، تحقیر آن گروه است (Coomaraswamy, 1992, 50).

به عبارتی در پرتو اعمال خشونت‌های جنسی به زنان یک گروه یا یک جامعه، اهداف استراتژیک نهفته است و از این طریق به وحشت، تضعیف روحیه و قوای آن گروه پرداخته شده و بدین ترتیب قربانیان تجاوز، عامل شرمندگی و تحقیر جامعه خود محسوب می‌شوند، اما نکته حائز اهمیت آن است که در خشونت‌های جنسی در زمان جنگ، مانند سایر خشونت‌های جنسی دیگر، عمدتاً مردان به زنان تجاوز می‌کنند که این موضوع حاکی از اعمال قدرت مردان بر زنان و قدرت‌نمایی مفهوم «مردانگی» است؛ به‌نوعی این جنایت گویی برتری یک جنس بر جنس دیگر را نیز نشان می‌دهد. از طرف دیگر، عواقب این نوع جنایات تنها در زمان جنگ خلاصه نمی‌شود بلکه پس از زمان جنگ نیز دیدگاه‌های مردسالارانه بر زندگی زنان رخنه کرده و سبب فروپاشیدگی روابط خانوادگی و عدم پذیرش آن‌ها در جوامع می‌شود. این زنان نه تنها قربانیان زمان جنگ هستند، بلکه پس از پایان جنگ نیز قربانی دیدگاه‌های نظام مردسالار هستند و نوعی لکه ننگ محسوب می‌شوند و همین امر، سبب می‌شود که بسیاری از این زنان در حین مخاصمات مسلحانه یا پس از آن، توسط اعضای خانواده خود به قتل برسند. در مجموع، شاید نتوان ناعدالتی‌های جنسی را اولین هدف در زمینه این جنایات دانست، اما می‌توان اذعان داشت که این نابرابری‌ها، خشونت‌های جنسی را حتی پس از پایان جنگ‌ها عادی می‌نماید. از آن جا که سکوت و سهل‌انگاری در مقابل این جنایات، شدت این فجایع را بیشتر می‌سازد؛ لذا بررسی بسترهای اجتماعی این موارد برای کاهش و یا رفع آنان در زمان صلح امری ضروری است.

۲- پیشینه جرم‌انگاری جنایات جنسی

جرم‌انگاری جنایات جنسی موضوعی نیست که به چند دهه گذشته مرتبط باشد بلکه قدمت آن به قرن گذشته باز می‌گردد و حتی پیش از آن نیز در جوامع، عملی محکوم‌شده به شمار می‌آمده اما آن چه در قانون ذکر می‌شود با آن چه در جامعه توان بازداري پیدا می‌کند، دو مورد متفاوت هستند. سازمان جهانی بهداشت هرگونه عمل جنسی، تلاش برای انجام عمل جنسی، نظریات ناخواسته، تجارت جنسی یا اعمالی با ماهیت جنسی که خلاف تمایلات جنسی یک شخص و به واسطه زور و اجبار انجام شود را خشونت جنسی به حساب می‌آورد (WHO, 2011). این جنایات در بسیاری از اسناد بین‌المللی به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم جرم‌انگاری شده‌اند که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد:

قانون لیبر مصوب ۲۴ آوریل ۱۸۶۳ و امضاء شده توسط رئیس‌جمهور آبراهام لینکن، قانونی بود که برای نیروهای ایالات متحده آمریکا تعیین می‌کرد که در زمان جنگ چگونه باید رفتار کنند؛ نویسنده این قانون، محقق حقوقی و فیلسوف آلمانی-آمریکایی، «فرانتس لیبر» است. این قانون در ماده ۳۷ خود بیان می‌دارد که نیروهای ایالات متحده آمریکا در کشورهای تحت اشغال خود بایستی دین و اخلاق را رعایت نمایند و جرائمی که علیه ساکنین، به‌ویژه زنان صورت گرفته باشد، طبق این قانون، به‌سختی مورد مجازات قرار خواهند گرفت (Lieber Code, 1863, 37). قانون لیبر همچنین در ماده ۴۴ خود، مجازات سنگین‌تری را برای این جرائم در نظر می‌گیرد و صراحتاً از «تجاوز» نام برده و در صورت سرپیچی از این دستور توسط مافوق، او را مستحق کشته شدن برمی‌شمارد (Lieber Code, 1863, 44).

کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ مجموعه‌ای از معاهدات و بیانیه‌های بین‌المللی هستند که قوانین و آداب و رسوم جنگ در بدنه حقوق بین‌الملل را توضیح می‌دهند؛ در ماده ۴۶ این مجموعه، گفته می‌شود که شرافت و حقوق خانوادگی، زندگی اشخاص و مالکیت خصوصی و همچنین اعمال دینی باید رعایت شود (Laws and Customs of War on Land, 1907, 46)، که می‌توان گفت به‌صورت تلویحی به موضوع ممنوعیت خشونت‌های جنسی در جنگ اشاره نموده است. خشونت‌های جنسی می‌توانند در قالب جرائم مربوط به بردگی و شکنجه نیز ظاهر شوند که این دو مورد به ترتیب در کنوانسیون‌های لغای بردگی در سال ۱۹۲۷ و کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز در سال ۱۹۴۸، منع شده‌اند؛ گفتنی است که این دو کنوانسیون از قواعد عام‌الشمول و Erga Omnes حقوق بین‌الملل محسوب شده و برای همه دولت‌ها چه عضو این کنوانسیون باشند، چه نه، لازم‌الاجرا هستند. همچنین، خشونت‌های جنسی در قالب «کار اجباری» نیز ظهور و بروز می‌یابند که این امر، در مقاله‌نامه‌های شماره ۲۹ (ILO, 1930, No. 29) و شماره ۱۰۵

(ILO, 1957, No. 105) سازمان بین‌المللی کار در زمینه منع کار اجباری آورده شده است. به علاوه، نمونه بارز این قواعد را می‌توان در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز به درستی مشاهده نمود (پورهایمی و ارغند، ۱۳۹۲). علاوه بر این، در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، رفتار شایسته با غیرنظامیان، در ماده ۱۳ کنوانسیون ژنو در مورد رفتار با اسیران جنگی (III Geneva Convention, 1949, 14)، رفتار محترمانه با زنان و متناسب با جنسیت آن‌ها و در ماده ۲۷ کنوانسیون ژنو در مورد حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ (IV Geneva Convention, 1949, 27)، در نظر گرفته شده است.

باین‌همه، مرتکبان خشونت‌های جنسی در درگیری‌های مسلحانه، اغلب تا قبل از دهه ۱۹۹۰ محاکمه نمی‌شدند؛ زیرا این رفتارها، نتایج جنگ‌ها یا غنیمت جنگی تلقی می‌شدند و خشونت‌های جنسی در شرایط مخاصمات مسلحانه از رفتارهای معمول به شمار می‌رفته است (قدیروهمکاران، ۱۳۹۷، ۹)؛ حتی اگر این جنایات، مورد محاکمه هم قرار می‌گرفتند، در قالب جرائم جنسی لحاظ نمی‌شدند بلکه اگر این جنایات با سایر جنایات دیگر همراه بودند تنها بر شدت آن‌ها می‌افزودند و بنابراین آن جرم را تبدیل به جرمی با شدت بیشتری می‌کردند. در نهایت، در قطعنامه ۷۸۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه ایجاد کمیسیون خبرگان برای بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات ارسالی طبق قطعنامه ۷۷۱ (۱۹۹۲) شورای امنیت در مورد وضعیت یوگسلاوی سابق (S/RES/780, 1992) صراحتاً به ممنوعیت جرائم جنسی اشاره شده و از این پس این جرائم به‌صورت بین‌المللی جرم انگاری و برای آن‌ها مجازات در نظر گرفته می‌شود.

۳- گستره جنایات جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری

اگرچه قوانین بین‌الملل کیفری، جنایات جنسی را طبقه‌بندی و عناصر مادی و معنوی آن‌ها را مشخص نموده‌اند ولیکن به علت رشد روزافزون فناوری‌ها و عوامل گوناگون دیگری همچون تروریسم و مهاجرت‌های غیرقانونی این جرائم به اشکال گوناگون دیگری نیز درآمده‌اند که در این طبقه‌بندی‌ها ممکن است، گنجانده نشده باشند؛ برای مثال، مهاجرت‌های غیرقانونی نه تنها زندگی مهاجران را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد بلکه اغلب با شدیدترین موارد نقض حقوق بشر، از جمله بردگی اجباری، استثمار جنسی و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت نیز در ارتباط است (Belcheva, 2021, 24). دیوان بین‌الملل کیفری این جرائم را تا حدود زیادی در اساسنامه خود گنجانده است؛ در بند دوم و چهارم ماده ۶ (Rome Statute, 1998, 6)، بند دوم (و) ماده ۷ (Rome Statute, 1998, 7) و بند دوم (ب)، ۲۲) ماده ۸ اساسنامه رم (Rome Statute, 1998, 8) از جرائم تجاوز، برده‌گیری جنسی، فاحشگی

اجباری، حاملگی اجباری، عقیم‌سازی اجباری یا هر خشونت جنسی دیگری که همسنگ با این موارد باشد، تحت عنوان جرائم جنسی یاد شده است که خود این جرائم نیز به ترتیب مواد، زیرمجموعه‌ای از جرائم نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت و جرائم جنگی می‌توانند باشند.

۳-۱- جرم تجاوز جنسی

هرگاه مرتکب جرم با رفتاری که منجر به نفوذ، هرچند ناچیز، به بدن یک شخص می‌شود به او حمله کرده باشد، جرم تجاوز صورت گرفته است (Means of Proof, 2017, 23). عنصر مادی: این حمله در قالب نفوذ به هر قسمت از بدن قربانی، اندام جنسی، دهانه مقعد یا دستگاه تناسلی قربانی با هر شیء یا هر قسمت از بدن مرتکب بایستی صورت گرفته باشد. این تهاجم بایستی به زور [یا] با تهدید به زور یا اجبار؛ مانند مواردی که ناشی از ترس از خشونت، اجبار، بازداشت، ستم روانی یا سوءاستفاده از قدرت علیه شخصی یا شخص دیگری، یا با سوءاستفاده از قرار گرفتن در یک فضای اجباری یا حمله به شخص انجام شود و در حقیقت، قربانی بایستی ناتوان از دادن رضایت واقعی باشد (Means of Proof, 2017, 23). عنصر معنوی: هدف و قصد مرتکب جرم بایستی حمله، یورش و تجاوز به بدن یک شخص بوده باشد و مرتکب باید نسبت به این که این حمله در روند عادی وقایع رخ خواهد داد، آگاهی داشته باشد (Means of Proof, 2017, 23).

در پرونده موشیچ و همکاران در دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، دادگاه معتقد بود که مجبور کردن بازداشت‌شدگان به لیسیدن آلت تناسلی یکدیگر می‌تواند تجاوز جنسی محسوب شود؛ در این پرونده، به دو برادر دستور داده شد که شلوار خود را در مقابل سایر بازداشت‌شدگان در بیاورند و سپس آن‌ها مجبور شدند که به زانو درآیند و آلت تناسلی دیگری را برای مدت حدوداً دو تا سه دقیقه در دهان خود قرار دهند (ICTY, Case No. IT 96-21-T, 1998, 1065) که این عمل از نظر دادگاه، تجاوز به عنف محسوب گردید (ICTY, Case No. IT 96-21-T, 1998, 1066).

۳-۲- جرم برده‌گیری جنسی

هرگاه مرتکب جرم از همه یا بخشی از اختیارات مربوط به حق مالکیت بر یک یا چند نفر، مانند خرید، فروش، وام یا مبادله شخص یا اشخاصی یا سلب آزادی آن‌ها در مواردی مشابه استفاده کرده باشد، جرم برده‌گیری جنسی اتفاق افتاده است (Means of Proof, 2017, 41).

عنصر مادی: برای تحقق این جرم، اعمال حق مالکیت، اعمال انواع کنترل‌ها بر روی شخص و استفاده یا تهدید به خشونت بایستی صورت گرفته باشد و همچنین، لازم است تا شخص در آن زمان نتوانسته باشد به صورت داوطلبانه تصمیم‌گیری نماید. به علاوه، مرتکب یا مرتکبین این جرم بایستی سبب آن

شده باشند که قربانیان به یک یا چند عمل جنسی دست بزنند (Means of Proof, 2017, 41). عنصر معنوی: مرتکب بایستی قصد اعمال قدرت بر حق مالکیت یک یا چند نفر داشته باشد و سبب رفتاری شود که شخص یا اشخاصی دست به اقداماتی از نوع جنسی بزنند و از این مسئله که در جریان عادی این حوادث، اقدامات جنسی صورت می‌گیرد، آگاهی داشته باشد (Means of Proof, 2017, 41).

در خلال جنگ جهانی دوم نیز، مکان‌هایی به نام «ایستگاه خوشی» وجود داشتند که در آن زنانی موسوم به «زنان آسایش گر» یا «زنان راحت و خوشی» (که یک حسن تعبیر برای فاحشگی بود) مجبور به بردگی جنسی برای ارتش شاهنشاهی ژاپن در کشورها و سرزمین‌های اشغالی بودند (The Asian Women's Fund, 2014). علاوه بر این، دادگاه ویژه سیرالئون در پرونده بریما و دیگران، شواهد پذیرفته شده را حاکی از اثبات مالکیت قربانی به عنوان همسر تلقی می‌کند؛ در این پرونده، دادگاه دریافت که کلیه مدارکی که توسط دادستانی به عنوان اثبات «ازدواج اجباری» ارائه شده به اثبات عناصر جرم بردگی جنسی می‌پردازد. شواهد در این پرونده حاکی از آن بود که رابطه مجرمان با «همسران» نوعی رابطه مالکیتی و شامل کنترل قربانی از نظر جنسیتی، حرکتی و کاری توسط بزهدکار بوده است؛ به عنوان مثال، از «همسر» انتظار می‌رفت که اموال شورشیان را از یک مکان به مکان دیگر منتقل کند، برای آن‌ها غذا درست کند و لباس‌هایشان را بشوید. به همین ترتیب، دادگاه حکم کرد که استفاده از اصطلاح «همسر» توسط مرتکب در مورد قربانی نشان‌دهنده قصد مرتکب برای اعمال مالکیت بر قربانی و نه قصد ازدواج یا شبه ازدواج است (SCSL, Case No. SCSL-2004-16-T, 2007, 711). این نکته بسیار حائز اهمیت است که جرم ازدواج اجباری، یک جرم بسیار پیچیده و چندلایه است؛ در درون این جرم، امکان دارد که جرائم جنسی دیگری همچون تجاوز به عنف، بردگی جنسی و موارد دیگری حسب مورد نهفته باشد و بنابراین، این جرم ممکن است که از شدیدترین نوع جنایات جنسی محسوب شود.

۳-۳- جرم فاحشگی اجباری

هرگاه شخصی باعث شود که با زور، تهدید به زور، اجبار، ترس از خشونت، فشار، بازداشت، ستم روانی یا سوءاستفاده از قدرت، بهره‌گیری از یک فضای اجباری و عدم توانایی قربانی در ابراز رضایت واقعی، یک یا چند نفر به یک یا چند عمل جنسی دست بزنند، جرم فاحشگی اجباری محقق شده است (Means of Proof, 2017, 59).

عنصر مادی: جرم بایستی در فضای اجبارگونه صورت گرفته و مرتکب یا شخص دیگری مزایایی ویژه یا سایر مزایا را در ازای اقدامات جنسی یا در ارتباط با آن به دست آورده باشد (Means of

59,2017,Proof). عنصر معنوی: مرتکب بایستی قصد داشته باشد که سبب شرکت یک یا چند نفر در یک یا چند عمل جنسی شود و آگاهی داشته باشد که در پی روند عادی وقایع، این اتفاق خواهد افتاد. به علاوه، تحصیل مزایا توسط شخص مرتکب یا شخص دیگری یا آگاهی از امکان تحصیل مزایا نیز برای تحقق این جرم لازم است.

دادگاه نظامی موقت هلند در باتاویا در پرونده شماره ۷۶ ثابت کرد که متهم قربانیان را مجبور به اعمال تن‌فروشی می‌کرده است؛ در این پرونده، متهم خانه‌ای اجاره و یک فاحشه‌خانه در آن باز کرده بود که به یک رستوران و یک بار متصل شده بود. این مکان به کلپ ساکورا معروف بود و منحصراً مختص شهروندان ژاپنی بود. دستیار وی در مشاغل فاحشه‌خانه زنی بود که از سال ۱۹۴۳ با او زندگی می‌کرد؛ با کمک او، دختران در رستوران یا بار به‌عنوان پیشخدمت خدمت کرده و سپس به تدریج مجبور به انجام فحشا با مشتریان می‌شدند (Netherlands Temporary Court-Martial at Batavia, Case No.76,1997,122). جرم فاحشگی اجباری از آن دسته از جرائم جنسی محسوب می‌شود که چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح اگر صورت بگیرد، در قالب جنایت علیه بشریت، جرم‌انگاری خواهد شد.

۳-۴- جرم حاملگی اجباری

برای تحقق این جرم، مرتکب بایستی یک یا چند زن را که به‌زور باردار شده‌اند، به قصد تأثیر بر ترکیب قومی یک جمعیت و یا انجام موارد نقض شدید دیگر قوانین بین‌المللی، حبس کرده باشد (Means of Proof,2017,71).

عنصر مادی: یک یا چند زن بایستی به‌زور باردار شده باشند؛ گفتنی است که اولاً تلاش برای باردار کردن کافی نیست و این عمل حتماً بایستی به تحقق رسیده باشد و ثانیاً، منظور از اجبار، لزوماً اجبار فیزیکی نیست بلکه حتی اگر در ظاهر، رابطه جنسی، مبتنی بر رضایت بوده و زن در همان راه باردار شده باشد اما این رضایت، رضایتی واقعی نبوده باشد؛ این جرم محقق شده است (Means of Proof,2017,71). به علاوه، بزه دیده بایستی در طول دوران بارداری اش حبس شده باشد که البته آسیب قانونی این جرم نیز، همین حبس غیرقانونی در طول بارداری است (Boon,2001,645) و همچنین، قصد بزه‌کار مبتنی بر اثرگذاری بر ترکیب قومی و نژادی یا نقض فاحش قوانین بین‌المللی نیز الزامی است. عنصر معنوی: بزه‌کار بایستی قصد این را داشته باشد که یک یا چند زن را که به‌زور باردار شده‌اند، حبس نماید و از این که آن عمل منجر به حبس می‌شود، آگاهی داشته باشد. به علاوه، قصد تأثیر بر ترکیب یک قومیت یا نژاد و یا نقض شدید ارکان حقوق بین‌الملل نیز ضروری است.

دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده اونگوان معتقد بود که دلایل اساسی وجود دارد که متهم، قربانی را در یک محیط بسته تحت مراقبت نگه داشته است؛ قربانی شهادت داده بود که وی از زمان ربوده شدن در آگوست ۱۹۹۶ توسط متهم و دیگر مبارزان ارتش مقاومت کرد و تا زمان فرار در ژوئیه ۲۰۰۴ در اسارت بوده است و بارداری‌های دوم و سوم وی بدون داشتن امکان فرار از خانه متهم سپری شده است (ICC, Case No. ICC-02/04-01/15-422-Red, 2016, 111).

۳-۵- عقیم‌سازی اجباری

در صورتی که مرتکب یک یا چند نفر را از توانایی تولیدمثل بیولوژیکی به صورت دائمی محروم کرده باشد، این جرم تحقق می‌یابد (Means of Proof, 2017, 81). عنصر مادی: این عمل بایستی که در ارتباط با معالجه پزشکی یا بیمارستانی شخص یا اشخاص و با رضایت واقعی آن‌ها انجام نشده باشد (Means of Proof, 2017, 81). دولت چین در این خصوص پیشنهاد کرد که اقدامات کنترل مولید به عنوان اقدامات عقیم‌سازی اجباری که از سوی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی جرم‌انگاری شده‌اند، تلقی نشوند؛ زیرا از نظر دولت چین، این اقدامات اثر غیردائم و کوتاه‌مدت دارند. این پیشنهاد مورد حمایت اسرائیل، یونان و مکزیک قرار گرفت و از سوی دیگر، هیئت‌های کانادا و آلمان آن را غیرموجه تلقی کردند که در پایان، بر سر اصطلاح «اثر دائم» توافق حاصل گردید (کیتی-چایساری، ۱۳۹۳، ۱۴۴-۱۴۵). عنصر معنوی: مرتکب بایستی قصد داشته باشد که سبب محرومیت یک یا چند نفر، بدون توجه پزشکی از ظرفیت تولیدمثل بیولوژیکی شود و نسبت به این موضوع که یک یا چند نفر در روند عادی این وقایع از توانایی تولیدمثل بیولوژیکی محروم خواهند شد، آگاهی داشته باشد (Means of Proof, 2017, 81).

دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ شواهد عقیم‌سازی و اخته را در این مخاصمات پذیرفت و اعلام کرد که یک پزشک فرانسوی یهودی تبار که از سپتامبر ۱۹۴۳ تا ژانویه ۱۹۴۵ در آشویتس محبوس بود، شهادت داد که در نزدیکی آشویتس اردوگاه بیرکناو بود که مردم توسط پزشکان اس‌اس عقیم می‌شدند (IMT, Case No. 10, 702).

۳-۶- سایر خشونت‌های جنسی همسنگ با موارد بالا

در این جرایم، مرتکب بایستی با اعمال زور، تهدید به زور یا اجبار، واداشتن به ترس از خشونت، بازداشت، ستم روانی، سوءاستفاده از قدرت و با بهره‌گیری از یک فضای اجباری که در آن ارائه رضایت واقعی شخص ممکن نیست، شخص یا اشخاصی را وادار به اعمالی همراه با ماهیت جنسی نماید. این اعمال محدود به تهاجم جنسی به بدن انسان نمی‌شوند و ممکن است متضمن اعمالی باشند

که در آن دخول یا حتی تماس فیزیکی وجود نداشته باشد. دارا بودن ماهیت جنسی در این جرم، اجبار و عدم رضایت از ارکان اصلی به شمار می‌آید. عنصر مادی: مرتکب سبب شود که شخص یا اشخاصی به ارتکاب عملی از نوع جنسی دست زده باشند و این اعمال در شرایط قهرآمیز رخ داده باشد. عنصر معنوی: شخص مرتکب بایستی قصد داشته باشد که شخص یا اشخاصی را وادار به ارتکاب اعمالی با ماهیت جنسی یا تحریک شخص یا اشخاصی در عمل جنسی نماید. همچنین، مرتکب باید آگاهی داشته باشد عمل همراه با ماهیت جنسی سبب می‌شود که شخص یا اشخاصی در روند عادی این وقایع دست به اقدام جنسی بزنند.

دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق در پرونده فوروندزیجا با استناد به شواهد، مورد را خشونت جنسی اعلام کرد؛ متهم یکی از سربازان را مجبور به درآوردن لباس کرده و سپس چاقوی خود را در امتداد ران داخلی و پایین شکم او می‌مالید و تهدید می‌کرد که اگر حقیقت را نگوید، چاقو را داخل واژن او قرار می‌دهد و متهم در تمام این مدت به بازجویی ادامه داده بود (ICTY, Case No. IT-95-17/1-T, 1998, 40&82). علاوه بر این، دیوان بین‌المللی برای روآندا در قضیه آکایسو نیز به جرم‌انگاری خشونت جنسی پرداخته است؛ در این پرونده، یک زن به برهنه شدن و انجام حرکات ژیمناستیک وادار شده است (ICTR, Case No. ICTR-96-4-T, 2, 1998, 429).

۴- جرم‌انگاری جنایات جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری

در زمینه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی تاکنون تصمیمات بسیار حائز اهمیت اخذ نموده شده است ولیکن چالش‌های امروزه برای نوع دیگری از پاسخ فریاد می‌زنند؛ جهانی شدن و ظهور تهدیدهای فراملی جدید، مانند تروریسم، واقعیت‌های جدیدی ایجاد کرده و ماهیت هدف حقوق بین‌الملل را اساساً تغییر داده است (Defosse, 2021, 1). مرتکبان جرائم جنسی ممکن است در قالب جرم جنایت علیه بشریت، محکوم به برده‌داری، شکنجه، تجاوز جنسی، آزار و اذیت و سایر اقدامات غیرانسانی شده و یا جرم آن‌ها در قالب نقض قوانین جنگی، از جمله انجام شکنجه، برخورد بی‌رحمانه، نقض شدید کرامت انسانی به وسیله تجاوز و رفتاری غیرانسانی و عمدی که باعث رنجی بزرگ یا صدمه‌ای جدی به بدن یا سلامتی می‌شود، محاکمه گردند. علاوه بر مسئولیت کیفری افراد در قبال جرائم جنسی، شواهد مربوط به خشونت جنسی (برای نشان دادن الگوی ثابت رفتاری) در ایجاد عنصری مهم برای اتهامات نسل‌کشی-آسیب جدی جسمی یا روحی-نیز اهمیت زیادی داشته است (ICTY, Rules of Procedure and Evidence, 1998, 93); (ICTR, Rules of Procedure and Evidence, 1998, 93).

(Evidence, 1995, 93)؛ لذا جرائم جنسی در قالب سه جرم جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی قابل بررسی هستند و علاوه بر لحاظ کردن عناصر مادی و معنوی هر یک از اقسام جرائم جنسی، عناصر مادی و معنوی هر یک از این سه جرم نیز بایستی مورد توجه قرار گیرند.

۴-۱- جرم‌انگاری جنایات جنسی در قالب جنایت علیه بشریت

اگر مجرم به بدن شخصی حمله کرده و در یک فضای اجباری منجر به نفوذ هرچند ناچیز، به هر قسمت از بدن قربانی شود (تجاوز)، یا مرتکب از برخی یا همه اختیارات مربوط به حق مالکیت بر یک یا چند نفر استفاده کرده و سبب شود آن شخص یا اشخاص دست به عمل جنسی بزنند (برده‌گیری جنسی)، یا در فضایی اجبارگونه شخص یا اشخاصی را مجبور به انجام عملی با ماهیت جنسی نماید و بدین‌وسیله خود یا شخص دیگری منفعتی را کسب نماید (فاحشگی اجباری)، یا یک یا چند زن را که به‌زور باردار شده‌اند، به قصد تأثیر بر ترکیب قومی یک جمعیت و یا انجام موارد نقض شدید دیگر قوانین بین‌المللی حبس کرده باشد (حاملگی اجباری)، یا سبب محروم کردن یک یا چند نفر از توانایی بیولوژیکی تولیدمثل شود (عقیم‌سازی اجباری) و یا جرائمی با ماهیت جنسی همسنگ با این جرائم انجام دهد و این رفتار به‌عنوان بخشی از حمله منظم، گسترده و سیستماتیک علیه مردم غیرنظامی انجام شده باشد و مرتکب، نسبت به این که این اعمال، بخشی از یک حمله گسترده و سیستماتیک علیه مردم غیرنظامی است، آگاهی داشته باشد، جنایت علیه بشریت اتفاق افتاده است (Rome Statute, 1998, 7(1)(g)).

۴-۲- جرم‌انگاری جنایات جنسی در قالب جنایات جنگی

قربانیان درگیری‌های مسلحانه بیش از آن که سربازان باشند، غیرنظامیان هستند؛ در این میان، زنان به‌طور خاصی با اشکال ویرانگر خشونت‌های جنسی مواجه می‌گردند که بعضاً به‌طور سیستماتیک برای دستیابی به اهداف نظامی یا سیاسی به کار گرفته می‌شوند. جنایات جنگی، اعمال ممنوعه‌ای هستند که در بطن مخاصمات رخ می‌دهند؛ لذا اگر تمام جرائم جنسی مذکور که در موارد فوق آورده شده‌اند، در بطن درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی صورت گرفته و مرتکب از شرایطی که وجود درگیری مسلحانه را ثابت کرده است، آگاهی داشته باشد، جنایت جنسی محقق شده است (Rome Statute, 1998, 8(2)(b)).

۴-۳- جرم‌انگاری جنایات جنسی در قالب جرم نسل‌کشی

در جامعه بین‌المللی هنگامی که درباره جرم نسل‌کشی صحبت می‌شود، توجه زیادی معطوف به آن می‌گردد اما نسل‌کشی پدیده جدیدی نیست؛ حتی در نوشته‌های کلاسیک مواردی از کشتارهای جمعی بازگو می‌شود و دوران استعمار شاهد موارد بی‌شماری از خشونت‌های نسل‌کشی چه در

آمریکای شمالی و آمریکای لاتین و چه در آفریقا بوده است. هولوکاست نه اولین و نه آخرین نسل‌کشی بود؛ اما با این وجود، نابودی یهودیان اروپایی باعث شد که قوانین بین‌المللی در مورد تعریف و منع جرم نسل‌کشی ایجاد شود. در سال ۱۹۴۴، یک وکیل لهستانی به نام «رافائل لمکین» که موفق شده بود از هولوکاست فرار کند، اصطلاح «نسل‌کشی» را ایجاد کرد (Mennecke, 2012, 145).

در ماده ۶ اساسنامه رم آورده شده که «نسل‌کشی» به معنای انجام هر یک از اقدامات زیر است که با هدف از بین بردن، به‌طور کامل یا جزئی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد: الف- کشتن اعضای گروه؛ ب- صدمه جدی جسمی یا روحی به اعضای گروه؛ ج- ایجاد عمدی شرایط زندگی گروهی که برای تخریب جسمی آن به‌طور کامل یا جزئی محاسبه شده است؛ د- اعمال وضع شده برای جلوگیری از تولد اشخاص در گروه؛ ه- انتقال اجباری کودکان گروه به گروه دیگر (Rome Statute, 1998, 6). بر اساس این ماده، از آن جا که جرائم جنسی، مانند تجاوز به عنف، باعث آسیب جدی جسمی یا روحی به اعضای گروه می‌گردند؛ اگر که با «قصد نابودی کامل یا بخشی از آن گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی» انجام گیرند، به‌عنوان نسل‌کشی شناخته می‌شوند.

این ارتباط بین خشونت جنسی، به‌ویژه تجاوز جنسی و نسل‌کشی اولین بار در سال ۱۹۹۸ توسط دادگاه بین‌المللی برای رواندا در پرونده آکایسو برقرار شد؛ در این پرونده، دادگاه اظهار داشت که تجاوز و خشونت جنسی، از بدترین راه‌ها برای آسیب رساندن به قربانی است؛ زیرا وی هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی آسیب می‌بیند (ICTR, Case No. ICTR-96-4-T, 2, 1998, 731). در رواندا، خشونت جنسی بخشی جدایی‌ناپذیر از روند تخریب جمعیت توتسی‌ها بود؛ زنان توتسی به‌طور خاص مورد حمله و تجاوز قرار گرفتند و سایر اعمال خشونت جنسی به تخریب آن‌ها و نابودی گروه توتسی کمک کرد (ICTR, Case No. ICTR-96-4-T, 2, 1998, 732)؛ زنان توتسی به دلیل توتسی بودن مورد خشونت جنسی قرار می‌گرفتند، این خشونت جنسی گامی در روند تخریب گروه توتسی بود و به از بین بردن روحیه و اراده برای زندگی آن‌ها انجامید؛ یعنی در واقع، در پشت جنایات جنسی به این زنان، اهداف استراتژیک نهفته بود.

۵- رسیدگی به جنایات جنسی در نسل‌های مختلف محاکم کیفری

بین‌المللی

در سطح بین‌المللی، مقامات کیفری دائمی و همچنین موقت یک گزینه مناسب برای مبارزه با جرائم بین‌المللی هستند؛ نسل‌های مختلف محاکم کیفری بین‌المللی در جریان مخاصمات مسلحانه‌ای که در

آن‌ها برخی جنایات ضدبشری، نسل زدایی و جنایات جنگی اتفاق افتاده است، تشکیل شده‌اند. عنوان نسل‌های محاکم کیفری برای اولین بار از اثر «کارل واسک» اقتباس شده است (Vask, 1977, 29)؛ در قرن بیستم و قرن بیست و یکم چهار دسته دادگاه در حوزه کیفری بین‌المللی تشکیل شده است: نسل اول محاکم، دادگاه‌هایی هستند که به موجب معاهدات بین‌المللی و پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم تشکیل شده‌اند که به اصطلاح به «دادگاه فاتحان» نیز مشهور هستند؛ دادگاه عالی لایپزیگ در سال ۱۹۲۱، دادگاه نظامی بین‌المللی نورمبرگ در سال ۱۹۴۵ و دادگاه نظامی بین‌المللی خاوردور (توکیو) در سال ۱۹۴۶ از جمله این دادگاه‌ها هستند.

نسل دوم محاکم، دادگاه‌هایی هستند که مبتنی بر تصمیم سازمان ملل متحد و به نمایندگی از افکار عمومی جامعه جهانی تشکیل شده و صلاحیت این دادگاه‌ها مقدم بر صلاحیت محاکم داخلی بود؛ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در سال ۱۹۹۳ و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا در سال ۱۹۹۴ از جمله این دادگاه‌ها هستند.

نسل سوم محاکم، دادگاه‌هایی هستند که بر اساس توافق میان دولت محل وقوع جرم با سازمان ملل متحد و مداخله شورای امنیت تشکیل شده‌اند؛ البته گفتنی است که در همه موارد، مداخله شورای امنیت وجود نداشته است؛ دادگاه‌های ویژه کامبوج، تیمور شرقی، سیرالئون، لبنان و کوزوو از جمله این دادگاه‌ها هستند.

نسل چهارم محاکم، دیوان کیفری بین‌المللی است که آرزوی دیرینه بسیاری از مصلحان و آزادی‌خواهان محسوب می‌شد؛ این دیوان از اول ژوئیه ۲۰۰۲ به‌عنوان مرجعی دائمی برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی تشکیل شده و به علت ویژگی «دائمی بودن» در نوع خود بسیار منحصر به فرد است.

۵-۱- رسیدگی به جنایات جنسی در نسل اول محاکم کیفری بین‌المللی

در هیچ کدام از دادگاه‌های نورمبرگ به طور خاص با این جرائم برخورد نشده است و این جرائم تحت عنوان جرائم دیگر و یا موارد قصور مورد محاکمه قرار گرفته‌اند. دادگاه بین‌المللی توکیو برای اولین بار در طول تاریخ به محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات جنسی علیه زنان پرداخت؛ در کیفرخواست‌های توکیو در لیست کلی جنایات، جنایت تجاوز به طور صریح گنجانده شده بود (مرتوس، ۱۳۸۴، ۳۷-۳۸) اما ضعف این دادگاه، آن بود که این جنایت به‌عنوان یک جنایت مستقل آورده نشده بلکه در قالب تئوری «مسئولیت فرماندهان» و برای اثبات قصور و کوتاهی آنان در ممانعت از خوددستی زیردستان مورد استفاده قرار داده شده است (Takeda, 2010, 134).

۵-۲- رسیدگی به جنایات جنسی در نسل دوم محاکم کیفری بین‌المللی

دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق نخستین مرجعی بود که جنایات خشونت جنسی را به‌عنوان جنایات جنگی و نقض فاحش قوانین انسانی به رسمیت شناخت (S/RES/827,1993,1). این دادگاه در زمینه جرم‌انگاری جرائم جنسی، بی‌بدیل و استثنایی عمل کرده است. در روآندا، تعداد دقیق تجاوزها مشخص نیست اما برخی ناظران گفته‌اند که تقریباً تمام دختران و زنانی که از نسل‌کشی جان سالم به در برده بودند، مورد تجاوز قرار گرفته‌اند (Nowrojee,2007,357). این دیوان بر اساس مواد ۲، ۳ و ۴ اساسنامه خود و ماده ۳ مشترک کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو به محاکمه جنایتکاران جنسی پرداخت.

۵-۳- رسیدگی به جنایات جنسی در نسل سوم محاکم کیفری بین‌المللی

بخش عمده‌ای از جرائم ارتكابی در مخاصمات سیرالئون را جرائم جنسی و مبتنی بر جنسیت، به‌ویژه ازدواج اجباری تشکیل می‌دادند؛ این عمل برای نخستین بار توسط دادگاه سیرالئون مورد تعقیب و رسیدگی قرار گرفت (Aptel,2014.352). در شعب فوق‌العاده کامبوج نیز جنایتکاران به دلیل ازدواج اجباری و تجاوز مورد محاکمه قرار گرفتند (Broadhurst,2015,53).

۵-۴- رسیدگی به جنایات جنسی در نسل چهارم محاکم کیفری بین‌المللی

دیوان کیفری بین‌المللی غالباً به دلیل سوابق ضعیف در تأمین عدالت برای قربانیان خشونت جنسی در درگیری‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است؛ در اولین سال‌های تأسیس دادگاه در سال ۲۰۰۲، به نظر می‌رسید پیگرد قانونی درباره تجاوز به عنف و سایر انواع خشونت جنسی از اولویت بالایی برخوردار نیست. یکی از توضیحاتی که ارائه شد این است که دادستان وقت «لویس مورنو او کامپو» مجبور بود پرونده‌ها را برای راه‌اندازی نهاد جدید به سرعت بررسی کند و بنابراین روی جرائم و مواردی تمرکز کرد که آشکارتر بودند و تحقیق درباره آن‌ها آسان‌تر بود. مورنو او کامپو در اولین پرونده دادگاه، علیه رهبر شبه‌نظامیان کنگو، توماس لوبانگا، تصمیم گرفت که فقط روی یک جنایت خاص - استفاده از کودکان سرباز - تمرکز کند. گرچه شواهدی وجود داشت که نشان می‌دهد کودکان دختر مورد بردگی و تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند اما هیچ اتهامی در رابطه با این جنایات مطرح نشده است. پس از روی کار آمدن «فاتوما بنسودا»، دادستان فعلی، در سال ۲۰۱۲، رویکرد دادستانی تغییر کرده است؛ بنسودا در ژوئن ۲۰۱۴ در مقاله‌ای تأکید می‌کند که: پیام به مجرمان [...] باید روشن باشد: خشونت جنسی و جنایات مبتنی بر جنسیت در درگیری در دیوان کیفری بین‌المللی نه تحمل می‌شود و نه نادیده گرفته خواهد شد (<https://www.mukwegefoundation.org/guest-blog-prosecution-sexual-violence-icc-problems>).

در سال ۲۰۱۶، قضات، معاون رئیس‌جمهور سابق کنگو (ژان پیر بمبا) را به جرم جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی محکوم و او را به هجده سال زندان مجازات کردند اما متأسفانه در ژوئن ۲۰۱۸، با این حال، اتاق استیناف بمبا را از تمام اتهامات تبرئه کرد. این تصمیم به عنوان یک ناامیدی بزرگ و عقبگرد برای پیگرد قانونی جرائم خشونت جنسی تلقی شد.

نتیجه

حقوق بین‌الملل کیفری، در اساسنامه محاکم کیفری خود صراحتاً جنایات جنسی را جرم‌انگاری کرده است، اما تنها جرم‌انگاری جرائم در ساحت حقوق کافی نیست؛ خشونت‌های مختلف علیه زنان حتی در زمانی که درگیری‌های جنگی نیز وجود ندارند، اعمال می‌شود و جامعه و مقررات حاکم بر آن، با این قبیل جرائم با اغماض برخورد کرده و به فروکاستن آنان تا حد یک رفتار نامتناسب و نه یک جرم، می‌پردازند. بدیهی است که تا هنگامی که خشونت‌های جنسی تنها در نوع شدید خود مورد پیگرد قرار گیرند و انگشت اتهام به سوی خود قربانیان نیز دراز باشد، در زمان درگیری‌های جنگی نیز این عامل به عنوان یک ابزار برای تخریب و آزار زنان و گروهی که به آن تعلق دارند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. به علاوه، پیشینه رسیدگی به جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی بیانگر آن بوده که جرم‌انگاری این جرائم برابر با محاکمه جنایتکاران نبوده است و در بسیاری از موارد، مجرمین جنایات جنسی تبرئه شده و یا مصون از مجازات مانده‌اند. از طرفی دیگر، پیچیدگی اثبات این جرائم نیز بر فرار مجرمین جنایات جنسی از مجازات‌های مربوطه می‌افزاید؛ زیرا در محاکمه جنایات جنسی، تنها اثبات عناصر مادی و معنوی خود این جرائم کافی نیست؛ بلکه هر یک از این جنایات زیرمجموعه جرمی دیگر در حقوق بین‌الملل کیفری هستند و عناصر مادی و معنوی آن‌ها نیز بایستی ثابت شوند. برای آن که اعمال خشونت‌های جنسی علیه زنان در درگیری‌های مسلحانه کاهش و یا پایان یابد، بایستی تلاش‌هایی در زمینه‌های مختلف صورت بگیرد؛ عدم رسیدگی به تبعیض‌های جنسیتی بر افزایش خشونت‌های جنسی در زمان درگیری‌های مسلحانه نیز دامن می‌زند؛ بنابراین، گام نخست در زمینه پایان جنایات جنسی، حفظ و تحکیم حقوق زنان در جنبه‌های مختلف زندگی است. علاوه بر این، مقررات حقوق بشردوستانه در هنگام درگیری‌های مسلحانه پاسخگوی نیازهای امروزی نیست و بایستی به نحو قابل توجهی بهبود داده شوند؛ آموزش منظم سربازان و سایر رزمندگان در زمینه حمایت‌های قانونی بین‌المللی از غیرنظامیان، ممنوعیت‌های خاص در برابر اشکال مختلف خشونت‌های جنسیتی و بسترسازی در زمینه احترام به گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله این موارد هستند و سرانجام، این نکته بدیهی است که هنگامی که محکومیت، تحقیقات و پیگردهای قانونی علیه این جرائم صورت بگیرد،

میزان ارتکاب آن‌ها تا حدود زیادی کاهش خواهند یافت؛ در نتیجه، برای کاسته شدن از تعداد این جرائم علاوه بر سهولت در اثبات جنایات جنسی، به سازکارهای محکم‌تری نیز نیاز خواهد بود.

منابع

فارسی

- پوره‌اشمی، سیدعباس و ارغند، بهاره، ۱۳۹۲، **حقوق بین‌الملل محیط‌زیست**، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- کیتی چایساری، کریانگ‌ساک، ۱۳۹۳، **حقوق کیفری بین‌المللی**، ترجمه دکتر حسین آقایی جنت مکان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات جنگل.
- قدیر، محسن؛ مهدوی، زهرا؛ ستایش پور، محمد، ۱۳۹۷، حمایت از زنان در مقابل خشونت جنسی (واکاوی اسناد نسل‌های چهارگانه محاکم بین‌المللی کیفری)، **دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده**، شماره ۶۹.
- مرتوس، جولی، ۱۳۸۴، **زن، جنگ و بحران**، ترجمه نجله خندق، چاپ اول، تهران، نشر قسه.

لاتین

- Aptel. Cecile, Unpunished Crimes: The Special Court of Sierra Leone and Children, in Charles Chernor Jallah, The Sierra Leone Special Court and its Legacy: The Impact for Africa and International Criminal Law, Cambridge University Press, 2014.
- Barry. Kathleen, Female Sexual Slavery, New York University Press, 1984.
- Belcheva. Simona, Pandemic Overview: Migration Problems in the European Union, CIFILE Journal of International Law, Journal Vol. 2, No. 3, 2021.
- Boon. Kirsten, Rape and Forced Pregnancy under the ICC Statute: Human Dignity, Autonomy, and Consent, Columbia Human Rights Law Review, 2001.
- Broadhurst. Roderic, Thierry and Bouhours, Brigitte, Violence and the Civilizing Process in Cambodia, Cambridge University Press, 2015.
- Convention against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1985.
- Coomaraswamy. Rodhica, 'Of Kali Born: Women, Violence and The Law in Sri Lanka', in M. Schuler (ed.), Freedom from Violence: Women's Strategies from Around the World, New York, UNIFEM, 1992.
- Defosse. Delphine, the Concept of Terrorism: Time to Abandon the National Approach to International Law, CIFILE Journal of International Law, Vol. 2, No. 3, 2021.
- General Orders No. 100: The Lieber Code, Instruction for the Government of Armies of the United States in the Field, 1863.

-
- <https://www.mukwegefoundation.org/guest-blog-prosecution-sexual-violence-icc-problems/>
 - ICC, The Prosecutor v. Dominic Ongwen, PTC II, Decision on the Confirmation of Charges against Dominic Ongwen, Case No. ICC-02/04-01/15-422- Red, 23 March 2016.
 - ICTR, Rules of Procedure and Evidence, 1995.
 - ICTR, The Prosecutor v. Jean-Paul Akayesu, TC I, Judgment, Case No. ICTR-96-4-T, 1998.
 - ICTY, Rules of Procedure and Evidence, 1994.
 - ICTY, The Prosecutor v. Anto Furundžija, TC II, Judgment, Case No. IT-95-17/1-T, 1998.
 - ICTY, The Prosecutor v. Zejnil Delalić, Zdravko Mucić, Hazim Delić and Esad Landžo, TC, Judgment, Case No. IT 96-21-T, 1998.
 - III Geneva Convention Relative to the Treatment of Prisoners of War, 1949.
 - ILO, Abolition of Forced Labor Convention (No. 105), 1957.
 - ILO, Forced Labor Convention (No. 29), 1930.
 - IMT, The USA vs. Karl Brandt et al., Published in Trials of War Criminals before the Nuremberg Military Tribunals under Control Council Law No. 10 (Volume I).
 - IV Geneva Convention Relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War, 1949.
 - Laws and Customs of War on Land, 1907.
 - Means of Proof (Sexual & Gender-Based Violence Crimes), Centre for International Law Research and Policy, Case Matrix Network, 2017.
 - Mennecke. Martin, The Crime of Genocide and International Law, In B. Boender, & W. ten Have (eds.), The Holocaust and other Genocides, Amsterdam University Press, 2012.
 - Netherlands Temporary Court-Martial at Batavia, Case No. 76, Trial of Washio Awochi, Judgment delivered on 25 October 1946, as cited by UNWCC in Law Reports of Trials of War Criminals, 1997.
 - Nowrojee. Binaifer, A Lost Opportunity for Justice: Why Did the ICTR Not Prosecute Gender Propaganda, in Allan Thompson, the Media and the Rwanda Genocide, International Development Research Centre, 2007.
 - Poorhashemi Abbas, Emergence of “International Environmental Law”: As a New Branch of International Public Law, CIFILE Journal of International Law, 1(2), 33-39, 2020.
 - Rome Statute of the International Criminal Court, 1998.
 - SCSL, The Prosecutor v. Alex Tamba Brima, Brima Bazzy Kamara and Santigie Borbor Kanu, TC II, Judgment, Case No. SCSL-2004-16-T, 20 June 2007.
 - Slavery Convention, 1927.
 - Takeda. Kayoko, Interpreting the Tokyo War Crimes Trial: A Sociopolitical Analysis, University of Ottawa Press – Articles, 2010.

- The Asian Women's Fund, Who Were the Comfort Women?-The Establishment of Comfort Stations, 2014.
- United Nations Security Council, Resolution 780, S/RES/780, 1992.
- United Nations Security Council, Resolution 827, S/RES/827, 1993.
- Vask .Karel, Year Struggle: the Sty Stained Effort to Give Force of Law to the Universal Declaration of Human Rights, UNESCO Courier, 1977.
- World Health Organization, Violence against Women – Intimate Partner and Sexual Violence against Women, 2011.

وبسایت

-<https://www.mukwegefoundation.org/guest-blog-prosecution-sexual-violence-icc-problems/>

legal Civilization

Biannual

No.8/Spring & Summer 2021

Jurisprudential and Criminological Aspects of Betting in Cyberspace

Abolfath KHaleghi, Simin Farrokhi Nia

A Critical Review of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965

Moosa Akefi Ghaziani, Mohammad Akefi Ghaziani

Comparative Legal Analysis of the Collateral in the Light of the Anglo-Iranian Laws

Hossain Rahimi Khojasteh, Marziyeh Fathi Bornaji

Comparative Approach to the Effects of Mergers on Commercial Companies

Afshin Mojahed

Explaining the Dimensions of Justice and Ethics from the Perspective of the Principles of the Framework of Islamic International Law

Nourooz Kargari, Sajad Tayebi

The Place of Sexual Crimes in International Criminal Courts

Abbas Por Hashemi, Sahar CHoobin

Covid-19 Pandemic in the Light of Solidarity Rights

Sayyed Behrad Mirfakhraei

Effects and Aspects of Appeal (Research) from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and French

Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Afshin Mojahed

Foreign Investment in Iranian Subject law and the Obstacles Facing it

Mohammad Reza Burbur

the Condition of the Absolute Guarantee of the Tenant in Keeping the Same Tenant in Imami Jurisprudence and Civil law of Iran

Firooz Ahmadi, Ali Qaed Rahmati

A Warning for the Big Fish: A Review of the Most Significant Roles and Achievements of International Criminal Law in International Legal Order

Mohsen Ghadir, Mousa Karami

A Comparative Study of the Crime of Embezzlement in Iranian and British Law with a Look at International Documents

Mohsen Jafari, Fateme Asadi

Religious Pluralism in Iranian Criminal Code

Abbas Karimi, Abalfazl Salimian

A Comparative Approach to the Scheme of Arrangement in Iranian, British and French Law

Hasan Rahim Zade Meybodi, Afshin Mojahed

Effects of Wife Alimony in Iranian and French Law

Mostafa Afzali Goroh

A Comparative Study of Non-Influence with Relative Invalidity in Iranian and French Law

Abbas Karimi, Gholam Reza Izadpanah

Critique and Evaluation of Personal, Social and Judicial Harms of Criminalization in the Iranian Penal System

Rostam Ali Akbari, Amir Faraj Bakhsh